

فرهنگ توسعه در ادبیات کرد

مصطفی ازکیا

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

باهمکاری

سلیمان پاک سرشت

چکیده

این مقاله، تحقیقی در جهت آگاهی از میزان تأثیر متغیرهای فرهنگی در ادبیات کردی است. گزینش کردها از میان سایر اقلیتهای قومی ایران، ناشی از وجود جوهره بکر فرهنگ اصیل ایرانی در ادبیات و فرهنگ این قوم است. جامعه آماری این پژوهش، ۳۸۰۰ ضرب المثل کردی است که از میان آنها به شیوه تصادفی ۱۸۰۰ ضرب المثل انتخاب و مطالعه شده است. فرضیه کلی این تحقیق، عبارت از این است که شمار عوامل و متغیرهای فرهنگی منفی در ضرب المثلهای کردی، بیشتر از متغیرها و مضامین مثبت است. نتایج این پژوهش بر خلاف فرضیه تحقیق بیانگر افزونی تعداد متغیرها و مضامین فرهنگی مثبت نسبت به متغیرها و مضامین فرهنگی منفی است. این امر نشان می‌دهد که بر خلاف تصور اندیشمندانی که با اعتقاد به وجود عوامل و باورهای منفی در ادبیات و فرهنگ کشورهای جهان سوم و تأکید بر این نکته به عنوان مهمترین عامل توسعه نیافتگی در این کشورها، به تحلیل دلایل توسعه نیافتگی کشورهای مزبور پرداخته‌اند. جامعه مورد مطالعه - به عنوان نمونه کوچکی از مجموعه گسترده جوامع جهان سوم. از زیر ساختها و نگرشهای فرهنگی مثبتی برخوردار است.

واژگان کلیدی: تقدیرگرایی، پذیرش اختیار و آزادی بشر، دنیاگرایی، بیگانگی اجتماعی، تصور نعمت محدود، قناعت و ساده زیستن، مشارکت اجتماعی، مذمت فقر، تشویق کار.

مقدمه

اکنون که در آستانه قرن بیست و یکم هستیم، توسعه و پیشرفت بشری موضوع غالب مباحثات و نشستهای علمی و آکادمیک جهانی است و در این میان کشورهای موسوم به جهان سوم به عنوان وجه توسعه نیافته نظام جهانی، اذهان بسیاری را به خود مشغول داشته‌اند.

پارادوکس (اندیشه - ماده) این بار در قالبی جدید، و به شکل (فرهنگ - تکنولوژی) مطرح شده است و به نظر می‌رسد در دهه‌های اخیر این موازنه به نفع فرهنگ، اندکی دگرگون شده است. همه کسانی که به نحوی در توسعه بشر اندیشیده‌اند، به نقش باورها، ارزشها و نگرشها در تمهید، تسهیل و تسریع توسعه اشاره کرده‌اند. تقسیم‌بندی دوگانه فرهنگها تحت عنوان "فرهنگ توسعه یافتگی" و "فرهنگ توسعه نیافتگی" تحت تأثیر اندیشه‌های مکتب نوسازی، حاکی از علاقه به جزمی اندیشی خاصی در نخستین مباحث این حوزه است، که اکنون جای خود را به نوعی نسبی اندیشی جامعه شناختی در باب تأثیر فرهنگ در توسعه داده‌است. و عقیده بر این است که شرایط مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با توجه به نقشی که در تبلور عناصر فرهنگی دارند، باید به "مناسب" و "نامناسب" تقسیم‌بندی شوند. چنین فرهنگی لزوماً منسجم و یکدست نیست، بلکه دارای عناصر مختلف ناهمگون و گاه متضاد است.

در صفحات بعد اندیشه فوق در قالب فرهنگ و ادبیات کردی و به طور اخص در ضرب‌المثل‌های کردی، به عمل نزدیک و سعی می‌شود با تکیه بر تحلیل محتوای ضرب‌المثلها تصویری هر چند محدود، از حضور یا فقدان عوامل مساعد فرهنگی در ادبیات این قوم ارائه شود.

این تحقیق با تکیه بر تحلیل محتوای انگیزه‌های روانی، فرهنگی مثبت و منفی در ادبیات عامیانه ملل (با عنایت به اثر مک کله لند)، صورت گرفته است. دیوید سی مک کله لند روان‌شناس معاصر آمریکایی در کتاب بسیار با اهمیت خود به نام جامعه روبه رشد، از نوعی ویروس ذهنی سخن می‌راند که به عقیده او بین وجود این ویروس و دوره‌های پیشرفت در جوامع، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. این ویروس ذهنی را او در کتاب خود با عنوان انگیزه موفقیت یا پیشرفت^۱ یا با علامت اختصاری N. ach مشخص کرده و معتقد است این انگیزه

1 . Need for Achievement

وجه‌ای از شخصیت و در زمره انگیزه‌های روانی آدمی است و دارای دو جنبه شخصی و اجتماعی است. مک کله لند برای اندازه‌گیری این انگیزه در افراد، از تست فرافکنی هانری مورای^۱ و نیز تحلیل آثار ادبی، قصه‌ها، افسانه‌ها و ادبیات عامیانه جوامع مختلف با استفاده از آزمون تی، ای، تی، سود جسته و در نهایت با تعیین پیشرفت اقتصادی در این جوامع - با توجه به میزان تولید سرانه برق و درآمد واقعی آنها - موفق شده است همبستگی مثبت شدیدی را بین نمرات N. ach و سطح پیشرفت اقتصادی اثبات کند. وی در مورد میزان اهمیت این انگیزه در توسعه اقتصادی می‌نویسد: N. ach را نمی‌توان تنها عامل لازم برای نوسازی تلقی کرد، بلکه باید آن را یکی از عوامل کلیدی به شمار آورد. N. ach به خودی خود یک فضیلت فردی است و نمی‌تواند به طور خودکار شخص را به سوی فعالیتها و برنامه‌هایی که از نظر اجتماعی ثمر بخش است، هدایت کند بلکه اگر وجدانی در کار نباشد شخص را به موفقیت در جنایت سوق می‌دهد (وینر ۱۳۵۰، ص ۲۹).

در این تحقیق نیز ده متغیر فرهنگی مثبت و منفی در بخشی از ادبیات عامیانه (ضرب‌المثلهای) اقلیت قومی گرد تحلیل شده‌اند. با توجه به اینکه در کشور ما اقلیتهای زیادی زندگی می‌کنند که، برخلاف اندیشه ماکس وبر، غالب آنها در سطوحی پایینتر از سطوح فرهنگی، اقتصادی،... کل جامعه قرار دارند، شناخت و مطالعه فرهنگ و ادبیات این اقلیتهای هماهنگی و قرابت آنها با فرهنگ کل کشور (اکثریت) برای دریافت و نشر آثار فرهنگی یکسان و کسب وحدت فرهنگی مفید و جهت‌گیری شده به سوی توسعه‌ای درون‌زا و هماهنگ، ضروری است. توسعه مطلوب و هماهنگ، فرایندی است که علاوه بر تحت پوشش قرار دادن زمینه‌های متعدد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... آحاد مختلف جامعه را نیز همراه با شیوه‌ها و ظرفیتهای بینشهای گوناگون فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در برمی‌گیرد. شناخت جنبه‌های مشترک و کوشش در تقویت و تبلور آنها و ایجاد حس مشترک در زمینه‌های فوق، هموارکننده مسیر توسعه خواهد بود.

کردها از جمله اقلیتهای مذهبی و قومی ایران هستند که به عقیده بیشتر صاحب‌نظران، جوهره بکر فرهنگ اصیل و غنی ایرانی را می‌توان به طور کامل در ادبیات و فرهنگ قومی آنها یافت، ولی این فرهنگ نیز در طول دورانهای مختلف از تیررس تحولات تاریخی دور نمانده و به ویژه در طول سده اخیر جولانگاه جریانهای فکری و سیاسی و مذهبی متفاوتی بوده است که

هر کدام به نوبه خود آثار فراوانی را در آن به جا گذاشته‌اند. این تحقیق بر آن است که به سنجش و اندازه‌گیری میزان تأثیر آن دسته از متغیرهای فرهنگی در فرهنگ و ادبیات کردی بپردازد که اندیشمندان علاقه‌مند به تبیین نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی و اجتماعی، وجود آنها را در فرهنگهای مختلف و در شرایط خاص یکی از عوامل مؤثر در ایجاد تفاوت در رویکرد و ظرفیت مردمان آن جوامع نسبت به توسعه اقتصادی و اجتماعی دانسته‌اند. در این حوزه، مجموعه ضرب‌المثلها مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. علت بهره‌گیری از ضرب‌المثلها، ناشی از عمومیت داشتن آنها در بین همه اقشار جامعه، و کاربرد مداوم آنها در طی نسلهای متوالی است. علاوه بر این ضرب‌المثلها، بیانگر عقاید و نگرشهای بنیادین افراد یک جامعه هستند. و تعمیم نتیجه چنین پژوهشهایی به کل فرهنگ و ادبیات یک قوم، مستلزم تحقیق در تمام عرصه‌های ادبیات مانند شعر، ادبیات فولکلوریک، داستانهای عامیانه و... است. همچنین انتخاب منبعی که بتوان در این تحقیق از آن سود جست، نیازمند توجه خاصی است، چون زبان کردی لهجه‌ها و گویشهای متعددی دارد که موجب می‌شود گاه قریب پنجاه درصد از مفاهیم و عبارتهای مصطلح موجود در یک لهجه، برای افرادی که به لهجه دیگری از زبان کردی تکلم می‌کنند، ناآشنا و غریب باشد. از طرف دیگر، قدمت و ظرافت خاص غالب ضرب‌المثلها، پی‌بردن به مفهوم و موارد کاربرد آنها را برای محقق که به متن فرهنگی این امثال آشنایی کامل ندارد (و حتی گاه برای محقق که متعلق به فرهنگ و ادبیات مورد مطالعه است) دشوار می‌کند. در این تحقیق از کتاب امثال و حکم کردی تألیف قادر فتح قاضی استفاده شده است. کتاب مذکور حاوی ۳۸۰۰ ضرب‌المثل کردی، از زبان مردم مهاباد و اطراف آن، موسوم به گویش کرمانجی مَکری*، است.

فرضیه کلی در این مطالعه، با توجه به مشاهدات و دیدگاههای قبلی موجود در فرهنگهای جهان سوم، عبارت از این است که: "شمار عوامل و متغیرهای فرهنگی منفی در ضرب‌المثلهای کردی بیشتر از متغیرها و مضامین مثبت فرهنگی است." در فرضیه‌های این تحقیق، هر یک از مضامین و متغیرهای منفی فرهنگی به ترتیب با متغیرهای مثبت فرهنگی متقابل آن، مقایسه شده است و فراوانی ضرب‌المثلهای حاوی مضامین منفی نسبت به مضامین مثبت، مورد انتظار بوده است.

متغیرها و مضامین منفی عبارتند از:

*. این لهجه، که از فصیح‌ترین و تکامل یافته‌ترین لهجه‌های زبان کردی است، زبان مشترک مردم سلیمانیه، مریوان، بانه، سقز، مهاباد، سنندج و...

۱. تقدیرگرایی^۱

این مفهوم از جمله مفاهیمی است که به عقیده اکثر اندیشمندان اجتماعی، در فرهنگ جوامع جهان سوم، مخصوصاً جوامع دهقانی، وجود دارد. راجرز* تقدیرگرایی را "درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی خود در مورد کنترل آینده" می‌داند (ازکیا ۱۳۷۱، ص ۵۹). تقدیرگرایی پذیرش بی چون و چرای وقایع و تسلیم در برابر آنهاست و در برگیرنده این اندیشه است که کنترل این وقایع از حیطة تسلط و اختیار آدمی خارج است (ساروخانی ۱۳۷۰، ص ۲۶۳). در این پژوهش، تقدیرگرایی از دو جنبه مد نظر بوده است:

الف) روند حوادث و نقش تقدیر و گزیرناپذیری از آن

ب) فقدان اراده انسانی و تأثیر نیروهای غیر انسانی در امور

۲. بی اعتباری دنیا

این مضمون به دلیل تصویر گذرا و بی اعتباری که از جهان مادی و تعلقات دنیوی در ذهن فرد ایجاد می‌کند، موجب انجام فعالیت‌های ناچیز با هدف محدود ادامه حیات، و عدم علاقه به مسائلی چون خلق وضعیت‌ها و امکانات جدید، آینده نگری و محاسبه امور دنیوی می‌شود. حاصل این نوع نگرش به زندگی دنیوی پدید آمدن نوعی رفتار اجتماعی خنثی - بدون جهت و هدف مشخص - است.

۳. بیگانگی اجتماعی^۲

از جمله مفاهیمی است که اندیشمندان زیادی در تبیین و تعریف آن کوشیده‌اند و تعاریف زیادی از آن ارائه داده‌اند. ملوین سیمن در زمره نخستین روان‌شناسانی است که مفهوم بیگانگی را در قالبی منظم و منسجم تعریف کرده و با تکیه بر چند عاملی بودن بیگانگی، آن را در پنج نوع نام برده است (محسنی تبریزی ۱۳۷۰، ص ۲۷).

1 . Fatalism

* . وی از کسانی است که بر موانع فرهنگی توسعه تاکید کرده است.

2 . Social Alienation

الف) احساس بی قدرتی^۱

ب) احساس بی محتوایی^۲

ج) بی هنجاری یا احساس ناهنجاری^۳

د) احساس انزوای اجتماعی^۴

ه) احساس تنفر از خویشان^۵

البته در این پژوهش، بیگانگی بیشتر در دو نوع احساس بی قدرتی و احساس انزوای اجتماعی به کار گرفته شده است. تعبیر سیمن از احساس بی قدرتی عبارت است از "احتمال یا انتظار متصور از سوی فرد در قبال بی تأثیری عمل خویش"، و یا قبول این تصور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نیست و وی را به هدفی که کنش او بر اساس آن تجهیز شده است، رهنمون نمی‌کند (محسنی تبریزی ۱۳۷۰، ص ۲۸). وی احساس انزوای اجتماعی را چنین تعریف می‌کند: «واقعیتی است فکری که براساس آن، فرد عدم تعلق و وابستگی و انفصال تأمه‌ای را با ارزشهای مرسوم جامعه احساس می‌کند. در این حالت فرد همچنین دارای عقاید و باورهای نازلی در مورد مکانیسم ارزش گذاری و سیستم پاداش دهی اجتماعی است و با هر آنچه از نظر جامعه مفید و ارزشمند باشد خود را هم عقیده و همسو نمی‌بیند (محسنی تبریزی ۱۳۷۰، ص ۲۷).

۴. عقیده خیر محدود^۶

این اندیشه را یکی از جامعه شناسان به نام فاستر مطرح کرده است و مبتنی بر این باور است که همه چیزهای مطلوب زندگی (زمین، ثروت، تندرستی، عشق، دوستی، قدرت و امنیت) محدودند و مقدار آنها قابل افزایش نیست و چنانچه فردی برای کسب سهم بیشتری از این منابع مطلوب تلاش کند، آنچه به دست می‌آورد سهمی است که دیگران از این منابع محدود دارند (ازکیا ۱۳۷۱، ص ۹۳)، بنابراین رفاه هر فردی با زیان فرد دیگر ملازمت تام دارد. فاستر این عقیده را ناشی از روح محافظه کاری و سنت گرایانه‌ای می‌داند که از پذیرش فرصتهای جدید ابا دارد.

1 . Powerlessness

2 . Meaninglessness

3 . Normlessness

4 . Social Isolation

5 . Estrangement

6 . Limited Good

۵. تشویق کردن قناعت و ساده زیستن

یا روح وارستگی که برهه‌های مختلف زمانی از جهت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجب ظهور و پرورش آن شده‌اند. متغیرها و مضامین مثبت عبارتند از:

۱. پذیرش اختیار و آزادی بشر

این مفهوم نقطه مقابل "تقدیرگرایی" است که در دایرةالمعارف علوم اجتماعی تحت عنوان "اختیارگرایی" آمده است و اشاره به آیین فلسفی دارد که مبتنی بر آزادی اراده انسانی از قید انقیاد تقدیرگرایانه است. این اندیشه، توانایی تصویر وضعیتهای جدید و بدیع را در جامعه ممکن می‌سازد و نیروهای فعال را در جهت خلق این وضعیتها ایجاد می‌کند.

۲. دنیاگرایی

دنیاگرایی به معنای ماتریالیسم و ماده‌پرستی و پذیرفتن نقش محوری مادیات و ثروت دنیوی در امور جهانی است. این نگرش از دیدگاه مزبور با نگرشهای دیگری چون شیء سروری^۱ (تأکید بر نقش مادیات در زندگی)، مصلحت‌گرایی یا پراگماتیسم (تأکید بر جنبه عملی افکار و عقاید و نتایج کارها) و سوداندیشی^۲ (تأکید بر مطلوبیت لذات دنیوی) ارتباط دارد. بدیهی است چنین اندیشه‌ای موجب تجهیز نیروهای فکری و عملی در جهت توسعه می‌شود.

۳. مشارکت اجتماعی^۳

در این تحقیق، مشارکت اجتماعی نقطه مقابل بیگانگی اجتماعی است و در برگیرنده اندیشه تشویق همکاری گروهی و نکوهش انزوای اجتماعی است.

۴. تشویق کردن کار و فعالیت و سبقت جویی^۴

سبقت جویی بر خلاف رقابت که در آن شرایط کسب توفیق و موفقیت منحصر به یک یا

1 . Reification

2 . Utilitarianism

3 . Social Participation

4 . Emulation

چند نفر است، فعالیتی در جهت دستیابی به هدفهای پذیرفته شده از سوی جامعه است، بدون انحصار شرایط موفقیت برای عده‌ای محدود، و از نظر روانی آمیزه‌ای است از تقلید و رقابت (ساروخانی ۱۳۷۰، ص ۱۰۷).

۵. مذمت فقر

این مضمون نقطه مقابل تشویق به قناعت و ساده زیستن است. اگر چه قناعت و ساده زیستن همیشه به مفهوم فقر نیست ولی با آن ملازمت خاصی دارد. به نحوی که می‌توان آن را در مقابل اندیشه‌ای قرار داد که نیازمندی به دیگران را نکوهش می‌کند.

شاخصهای اندازه‌گیری

در این مطالعه، شاخصهای اندازه‌گیری هر یک از متغیرهای یاد شده به شرح زیر است:

● تقدیرگرایی

- بازگشت ناپذیری تقدیر و اجتناب ناپذیر بودن آن
- از پیش تعیین شدن حوادث و سرنوشت افراد
- فقدان نقش آدمی در تغییر قضا و قدر و سرنوشت خود
- تأثیر نیروهای غیر انسانی در حوادث و سرنوشت انسانها

● پذیرش اختیار و آزادی بشر

- آزاد و مختار بودن انسانها
- توانایی انسان در تغییر و تعیین سرنوشت خویش
- قرار داشتن روند حوادث و مسائل در حیطه اراده و عمل انسان
- نقش اراده انسانی در اداره امور

● بی‌اعتباری دنیا

- بی‌اعتباری جهان مادی و تعلقات دنیوی
- فناپذیری آدمی

- اهمیت ندادن به مادیات
- عدم علاقه به آینده‌نگری
- اعتقاد به نقش منفی مادیات در زندگی

● دنیاگرایی

- اعتقاد به ارزشمند بودن مادیات و ثروت مادی در زندگی
- پذیرش نقش مثبت تمکن و استقلال مالی در زندگی شخصی و اجتماعی و لزوم آن
- نکوهش اسراف و صرف بیهوده ثروت
- تلاش در جهت رفع موانع مالی
- مذمت تشخیص ندادن منافع شخصی
- ستایش بی نیازی از دیگران

● بیگانگی اجتماعی

- مدح فردگرایی و عزلت نشینی
- احساس ناتوانی در انجام کارها
- اهمیت ندادن به برخی مسائل به قصد دوری از دردهای احتمالی
- بی‌اعتنایی به هنجارهای اجتماعی

● مشارکت اجتماعی

- تشویق کردن همکاری گروهی و آگاهی دادن از نتایج مطلوب آن
- ترغیب افراد به کمک کردن به دیگران و رعایت حال آنها
- نکوهش تکروی در کارها و ممانعت از بی‌اعتنایی به امور و بی‌خبری از آنها
- مذمت فردگرایی و دوری‌گزینی از اجتماع و عدم همکاری دیگران

● عقیده خیر محدود

- تأکید بر محدودیت ثروت مادی، قدرت، محبت و فعالیت
- ملازمت موقعیت هر فرد با شکست دیگران

● تشویق کردن کار و فعالیت و سبقت‌جویی

- تشویق به کار و تلاش
- ترغیب افراد به سبقت‌جویی در کارها
- نکوهش رخوت و سستی و بیکاری
- بیان نتایج و آثار مثبت کار و تلاش زیاد
- نکوهش انتظار یاری از دیگران

● تشویق کردن قناعت و ساده زیستن

- ترغیب افراد به زندگی ساده و ایجاد روحیه وارستگی
- تأکید بر ایجاد آسودگی خاطر از طریق توجه کمتر به مادیات

● مذمت فقر

- نکوهش نیازمندی به دیگران
- تأکید بر جنبه‌های منفی فقر و تنگدستی

نمونه‌گیری از ضرب المثلها

جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، ضرب المثل‌های کردی گردآوری شده در کتاب امثال و حکم کردی است. از آنجا که شیوه قرار گرفتن ضرب المثلها در کتاب مذکور، نه براساس مضمون آنها، بلکه به ترتیب حروف الفبای فارسی است، بنابراین ۱۸۰۰ ضرب المثل، به طور تصادفی از ۳۰۰ صفحه کتاب انتخاب و نتایج آنها به کل جامعه آماری ضرب المثل‌های کتاب، تعمیم داده شده است.

واحد تحلیل در این پژوهش، «مضمون» است که واحدی دلالتی* به شمار می‌رود و عبارت از مطلب واحدی است که درباره موضوعی گفته می‌شود. این مضمون ممکن است از کل

* منظور از دلالتی این است که در یک جمله ممکن است کل جمله یا بخشی و یا کلمه‌ای از آن، دلالت بر مضمون خاصی داشته باشد. به عبارت

دیگر این مضامین ممکن است از کل جمله یا بخشی و یا کلمه‌ای مستفاد شود.

یک ضرب المثل، یا بخشی از آن یا حتی کلمه‌ای از آن مستفاد شود. کلیه ضرب المثلها به روش آشکار کدگذاری شده‌اند. در این روش به جنبه ارتباطی موضوع تأکید می‌شود، به این معنا که در مطالعه و تحلیل ضرب المثلها هر گاه مضمون آنها به یکی از شاخصهای اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر نزدیک شده، کد ویژه آن متغیر به آنها اختصاص یافته است.

فرضیات تحقیق

فرهنگ و ادبیات مورد مطالعه، در شمار فرهنگهای جهان سومی است، فرهنگهایی که به عقیده برخی از اندیشمندان توسعه، دارای جهت‌گیریهای منفی در مورد توسعه هستند. فرضیه‌های کلی و اختصاصی این تحقیق بدین شرح است:

فرضیه کلی

به نظر می‌رسد شمار متغیرها و مضامین فرهنگی منفی در ضرب المثلهای کردی از متغیرها و مضامین فرهنگی مثبت بیشتر باشد.

فرضیات اختصاصی

تعیین هر یک از این متغیرها و مضامین فرهنگی، در حکم فرضیات اختصاصی پژوهش مذکور است. این فرضیات اختصاصی عبارتند از: فزونی مضامینی چون: تقدیرگرایی نسبت به مضمون پذیرش اختیار و آزادی بشر، بی‌اعتباری دنیا در مقایسه با تشویق دنیاگرایی، بیگانگی اجتماعی به عنوان نقطه مقابل مشارکت اجتماعی، عقیده خیر محدود برخلاف تشویق فرد به کار و فعالیت، قناعت و ساده زیستن در مقابل مذمت فقر.

از مجموع ۱۸۰۰ ضرب المثل تحلیل شده، ۲۳۷ مورد (۱۳ درصد) به رده‌ها و مقوله‌های مورد نظر مرتبط بوده و ۱۵۶۳ مورد با مقوله‌های مورد نظر ارتباطی نداشته‌اند* جدولهای زیر

*. بدین معنی که از مجموع ضرب المثلهایی که در جامعه آماری این پژوهش تحلیل محتوی شده‌اند، تنها ۲۳۷ ضرب المثل به زمینه‌های مورد

مطالعه مرتبط بوده‌اند و سایر ضرب المثلها به مسائل و حوزه‌های دیگری (غیر مرتبط با عناصر مساعد و یا نامساعد فرهنگی) ارتباط داشته‌اند.

فراوانی ضرب‌المثل‌های تحلیل شده و درصد هر یک از آنها را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۱. فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های مرتبط با مضامین

فرهنگی مورد مطالعه

ردیف	رده‌ها	فراوانی	درصد
۱	تقدیرگرایی	۳۶	۱۵/۳
۲	بی‌اعتباری دنیا	۱۷	۷/۲
۳	بیگانگی اجتماعی	۲۷	۱۱/۴
۴	عقیده خیر محدود	۲	۰/۸
۵	تشویق قناعت و ساده‌زیستن	۷	۲/۹
۶	پذیرش اختیار و آزادی بشر	۱۰	۴/۲
۷	دنیاگرایی	۳۸	۱۶
۸	مشارکت اجتماعی	۴۹	۲۰/۷
۹	تشویق کار و فعالیت	۳۳	۱۳/۹
۱۰	مذمت فقر	۱۸	۷/۶
	جمع	۲۳۷	۱۰۰

۳۷/۶ درصد مضامین فرهنگی منفی

۶۲/۴ درصد مضامین فرهنگی مثبت

جدول شماره ۲. فراوانی و درصد ضرب‌المثل‌های با مضامین منفی

ردیف	رده‌ها	فراوانی	درصد
۱	تقدیرگرایی	۳۶	۴۰/۵
۲	بی‌اعتباری دنیا	۱۷	۱۹/۱
۳	بیگانگی اجتماعی	۲۷	۳۰/۳
۴	عقیده خیر محدود	۲	۲/۲
۵	تشویق قناعت و ساده‌زیستن	۷	۷/۹
	جمع	۸۹	۱۰۰

جدول شماره ۳. فراوانی و درصد ضرب المثل‌های با مضامین مثبت

ردیف	رده‌ها	فراوانی	درصد
۱	پذیرش اختیار و آزادی بشر	۱۰	۶/۸
۲	دنیاگرایی	۳۸	۲۵/۷
۳	مشارکت اجتماعی	۴۹	۳۳/۱
۴	تشویق کار و فعالیت	۳۳	۲۲/۳
۵	مذمت فقر	۱۸	۱۲/۱
	جمع	۱۴۸	۱۰۰

همان طور که در جدول‌های ارائه شده مشاهده می‌شود ضرب المثل‌های دارای مضامین مثبت فرهنگی درصد بیشتری را (۶۲/۴ درصد) به خود اختصاص داده‌اند. بدین ترتیب فرضیه کلی این تحقیق رد و این نتیجه با اجرای آزمون خی دو در سطح $P < ۰/۰۰۱$ نیز تأیید می‌شود. در بین ضرب المثل‌هایی که دارای مضامین مثبت بوده‌اند، بیشترین درصد به مشارکت اجتماعی و دنیاگرایی اختصاص داشته و در بین مضامین منفی، تقدیرگرایی بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است. با استفاده از آزمون خی دو در تست فرضیات این مطالعه، این نتیجه به دست آمد که تعداد ضرب المثل‌های دارای مضمون تقدیرگرایی بیشتر از ضرب المثل‌های دارای مضمون پذیرش اختیار و آزادی بشر است. لیکن سایر فرضیات این تحقیق مبنی بر افزونی تعداد مضامین بی اعتباری دنیا، بیگانگی اجتماعی، عقیده خیر محدود، تشویق به قناعت و ساده زیستن، به نسبت مضامین دنیاگرایی، مشارکت اجتماعی، تشویق به کار و فعالیت و مذمت فقر، همگی رد شدند.

نتیجه

داده‌های تحقیق حاضر حاکی از آن است که شمار باورهای مثبت و مفید به حال توسعه و پیشرفت، در فرهنگ و ادبیات کردی بسیار بیشتر از باورها و متغیرهای منفی فرهنگی است. البته برای تعمیم این نتیجه به کل فرهنگ و ادبیات مورد مطالعه، تحقیق و تفحص بیشتر در سایر جوانب این حوزه ضروری است. اما آنچه جای شگفتی است، این است که آمار و ارقام مربوط به شاخصهای توسعه، نشان دهنده توسعه نیافتگی و محرومیت این جامعه است و به عبارت دیگر این جامعه علی‌رغم برخورداری از زیر ساختها و نگرشهای فرهنگی مثبت و راهگشای توسعه، هنوز دچار دور باطلی است که در نتیجه تعاملات عوامل و شرایط مختلف تاریخی، اقتصادی، سیاسی و... پدید آمده است. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ و ادبیات هر قومی دارای پنداشتها و اعتقادات مثبت و منفی بسیاری است که تنها در صورت همراهی و انطباق با سایر شرایط و امکانات منجر به تبلور باورهای مثبت یا منفی فرهنگی می‌شود. به این ترتیب فرهنگ و ادبیات جامعه مورد مطالعه نیز در سطحی که تحلیل شده است، فاقد موانع فرهنگی توسعه است و برای تحلیل توسعه نیافتگی این جامعه باید به عوامل و شرایط تأثیرگذار در سایر حوزه‌ها پرداخت و تحقق این هدف، جز با واقع بینی و بکارگیری روشهای علمی و انجام تحقیقات گسترده در زمینه‌های مختلف امکان‌پذیر نیست.

ضمیمه

نمونه‌هایی از ضرب‌المثل‌های تحلیل شده در مقوله‌های مرتبط:

● تقدیرگرایی

۱. موقه ددهر ره دنابی = مقدر رد نمی‌شود.
۲. نانی ته وشوم هه یه، بو سبه ینیش خودا که ریمه = نان امروز را دارم، برای فردا هم خدا کریم است.
۳. سوواره رسوواره، پیاده ش هه ر پیاده = قوی همیشه قوی و ضعیف همیشه ضعیف است.

● پذیرش اختیار و آزادی بشر

۴. نه گه روات نه کرباوانه ده هاتیه وه = اگر این کار را نمی‌کردی چنین نتیجه‌ای عایدت نمی‌شد، آنچه به دست آورده‌ای نتیجه زحمت خودت است.
۵. ئاده می‌ته یری بی باله = آدمی پرنده بی بال است، هر کاری که بخواهد می‌کند و هر جایی که بخواهد می‌رود.
۶. ئینسان سه‌نگ و سوکی به خویه تی = ارزش و اعتبار و احترام هر کسی به اعمال او بستگی دارد.

● بی‌اعتباری دنیا

۷. ئاقبیه ت هه ر مه رگه = همانا عاقبت مرگ است.
۸. ژیان چ تال چ شیرن، هه ر مردنی له دووایه = زندگی چه تلخ و چه شیرین، سرانجام مردن در پی دارد.
۹. کی ده یکاکی ده ی باکی ده ی خووا = مالی را که کسی جمع می‌کند از آن دیگران است و خود سودی نمی‌برد.

● دنیاگرایی

۱۰. ژیان زوری پی ده وی = زندگی زحمت و امکانات مختلف می‌خواهد.
۱۱. نه گه ر به مالی به مام و خالی نه گه ر بی مالی به یته ل مالی = اگر مال داشته باشی عمو و دایی داری و اگر بی مال باشی، بی کس و کاری.
۱۲. تی کوشین به هه ویای جیرانی وشکه = هر کس به امید همسایه نشست گرسنه می‌خوابد.

● بیگانگی اجتماعی

۱۳. ئاگره سوره له خوم دوره مه سه له یکی مه نشوره = آتش سرخ از من دور باد، مثل مشهوری است.
۱۴. له خوم نه ده ن له ئاوالم ده ن وه ده زانم له جَه والی کایه ده ده ن = من را نزنند، دوستم را بزنند انگار گونی گاه را می‌زنند. (اصلاً برایم اهمیتی ندارد فقط به من آسیبی نرسد).
۱۵. هه تاله خه لکی دورتری له خودای نیزیک تری = تا از مردم دورتر باشی به خدا نزدیک تری.

۱۶. خومن زامنی به هه شت و دوزه خی خه لکی نیم = من که ضامن بهشت و دوزخ مردم نیستم.

● مشارکت اجتماعی

۱۷. ده سٹیک به تهئی ته قه ی نایه = از یک دست به تنهایی کاری ساخته نیست (یک دست بی صداست).

۱۸. چاکه ی پکه وبه ئاوی داده = تونیک می کن و در دجله انداز.

● عقیده خیر محدود

۱۹. تاکیویک نه روخی که ندولانیک پرنابیته وه = تا کوهی فرو نریزد گودالی پر نمی شود.

۲۰. تایه ک نه مری یه ک زیندونابیته وه = تا یکی نمیرد دیگری زنده نمی شود.

● تشویق به کار و تلاش

۲۱. به ردی له به ردی ده ی ئیستا هه رباشه = هرکار ولو کوچک و جزیی از بیکاری بهتر است.

۲۲. ده ست و پی سپیلکه = کسی که ناز پرورده است و کاری از او بر نمی آید.

۲۳. پیاو ده بی هه لکوتیته سه رکاران = آدمی باید به کارها حمله کند.

● تشویق به قناعت و ساده زیستن

۲۴. فه قیری ئه ورو ده فریام هات = چون چیزی نداشتم از مهلکه گریختم.

۲۵. ئینج قولاغ وپینج قولاغ = از افزون طلبی صرفنظر می کنم و در نتیجه عمرم را به راحتی به سر می برم.

● مذمت فقر

۲۶. هه رکه س بوبه ئاوالی قه له نده ری له ریش و سمیل ده بی بی به ری = کسی که قلندری را به دوستی برگزیند، بیچاره خواهد شد.

۲۷. له برسان پشتی ده شکی = از گرسنگی کمرش می شکند.

۲۸. به زگیک تیروبه دووان برسی = یک وعده سیر و دو وعده گرسنه.

مآخذ

- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۱)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، انتشارات اطلاعات، تهران.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، فرهنگ توسعه، شماره ۱۵.
- توکل، محمود (۱۳۷۰)، توسعه و فرهنگ، نامه فرهنگ، سال ۲، شماره ۱ و ۲.
- زارع، بیژن (۱۳۷۲)، مدل فرهنگی توسعه، کلمه، شماره ۷ و ۸.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۸)، فرهنگ توسعه و جهان سوم، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال ۳، شماره ۲۸.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۰)، فرهنگ و توسعه، نامه فرهنگ، سال ۲، شماره ۱ و ۲.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۱)، فرهنگ و توسعه، ایران فردا، سال ۱، شماره ۱ و ۲.
- فتاحی قاضی، قادر (۱۳۶۴)، امثال و حکم کردی، انتشارات دانشگاه تبریز.
- قاضیان، حسین (۱۳۷۱)، نظریه‌های توسعه و عوامل فرهنگی، فرهنگ توسعه، شماره ۴.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰)، نامه علوم اجتماعی، از خودبیگانگی، دوره جدید، جلد ۲، شماره ۳.
- وینر، مایرون (۱۳۵۰)، نوسازی جامعه، ترجمه رحمت‌الله مراغه‌ای.

○ M.C. Clelland , and C. David (1988) *The Achieving Society* , New York : Free Press.